

عنوان مقاله:

ارتباط آموزش معماری و رجحان فکری دانشجویان

محل انتشار:

مجله صفا، دوره 27، شماره 2 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسنده:

هانی منصورنژاد - دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

با توجه به ماهیت باز و چندوجهی مسائل طراحی، دانشجوی معماری در موضع یک طراح باید توانایی اندیشیدن به شیوه های عینی، ذهنی، نقادانه، و خلاقانه را با هم جمع کند. بر این اساس پرورش دانشجویانی با قدرت تفکر چندوجهی ضروری به نظر می رسد. مبنای پژوهش پیش رو نظریه مرتبط با بخش های چهارگانه مغزی ند هرمان در خصوص «رجحان فکری» و بررسی شیوه های تفکر مرتبط با این چهار ربع مغز است. در بستر آموزش معماری پژوهش های اندکی در این زمینه صورت گرفته است. مهم ترین دلیل در ترجیح نظریه هرمان بر دیگر نظریه ها قابلیت طبقه بندی افراد بر اساس اولویت های چندگانه است. برخلاف دیگر ابزار که با آن ها بیشتر مواقع اشخاص بر اساس یک سبک ترجیحی طبقه بندی می شوند. در پژوهش حاضر به صورت میدانی و با استفاده از عرضه پرسش نامه ساختارمند ۱۲۰ سوالی HBDI به ۱۴۱ نفر از دانشجویان سال اول و آخر در مقطع کارشناسی رشته معماری و شیمی دانشگاه ETH زوریخ در کشور سوئیس داده ها جمع آوری شده است. بنا بر یافته های پژوهش، دانشجویان پس از پایان آموزش در دوره کارشناسی رشته معماری، انعطاف بیشتری در استفاده از شیوه های مختلف تفکر نسبت به دانشجویان رشته شیمی نشان می دهند. این مسئله بیانگر تاثیر آموزش معماری بر گسترش رجحان فکری در دانشجویان است که با توجه به خصوصیت چندبعدی معماری و ارتباط آن با حوزه های مختلف دانش منطقی به نظر می رسد. به نظر می رسد که آموزش معماری در بستر این تحقیق دانشجویان را به سمت استفاده از تمام ظرفیت مغز هدایت می کند، اما با توجه به اینکه عوامل مداخله گر متفاوتی نظیر برنامه و شیوه آموزشی نیز در این فرایند تاثیرگذار است، میزان این حرکت به سمت تفکر تمام مغزی در دانشگاه های مختلف می تواند متفاوت باشد. بر این اساس تمرکز بر شیوه آموزش، به منظور استفاده از سبک های متنوع تفکر و گرایش به تسلط تمام مغزی، موضوعی است که توجه به آن منجر به افزایش کیفیت آموزش معماری می شود.

کلمات کلیدی:

آموزش معماری، رجحان فکری، تسلط تمام مغزی، HBDI

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1304439>

